



۲۰۱۸/۰۵/۱۱



احسان الله مایار

نگاهی به گذشته

خوانندگان گرامی!

امروز بین کار منزل با خبرگیری از گلدان های گل و صرف طعام چاشت ساعتی، خود را با مرور جلد اول اثر خویش "قیام ملت افغان" مشغول گردانیدم و با علاقه ترجمه روزنامه فرانکفورتر الگیمانی را از نظر گذشتاندم. در ذهنم زمانی تداعی نمود که میهن عزیزم تحت اشغال اتحاد شوروی و گروه دلچک نما به نام حاکم کابل قرار داشته و ملیون ها افغان وطن خود را ترک نموده مهاجر در پاکستان و یا ایران شده اند. مردم سلحشور افغان به نام واقعی مبارزین راه آزادی و اعلائی کلمت الله چنان می رزمیدند که دنیا را به حیرت آورده بود.

این کمترین و خدمتگذار میهن عزیزم نمی دانم در آن برهه زمان در کدام شهر اروپا و یا آسیا با دوستان سرگردان بودم که این نوشته روزنامه که بعداً ترجمه آن از نظر دوستان گزارش می باید و آنرا ثبت جلد اول "قیام ملت افغان" نموده ام، نشر گردیده و یکی از رویداد های مهم زمان را به دید خوانندگان رسانیده است. به یاد دارم زمانیکه در امریکا متوطن شدم در صدد نوشتن یادداشت های خود گردیدم و امروز در قرن بیست یکم گزارش تاریخی را که ۳۷ سال از آن سپری گردیده و مربوط به قرن بیستم میلادی می باشد بار دیگر موضوع را از لابلای جلد اول اثر بنده بیرون کشیده و نسبت به اهمیت آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم.

اینک شما و این است ترجمه راپور روزنامه و در اخیر آن تبصره از این کمترین دوست تان:

۱۳ - ۸ - ۱۹۸۱ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

جنگ اتحاد شوروی و چین بالای "انگشت افغانستان":

عقد معاهده بین ماسکو و کابل / اثر: لیوویلاند Leo Wieland

ماسکو: ۱۲ اگست. اتحاد شوروی و چین در مورد تعیین سرحدات باهم جنجال دارند.

این بار نزاع هر دو کشور بالای "انگشت افغانستان" است، جائیکه کوه های پامیر سرحد بین افغانستان و چین را تثبیت میکند.

چین رسماً در باره امضای قرارداد تعیین سرحدات چند ماه قبل افغانستان و اتحاد شوروی احتجاج کرده است. روز چهارشنبه گذشته، وزارت خارجه اتحاد شوروی در روزنامه پراودا احتجاج چین را جداً رد کرده و در عین زمان پراودا برای اولین بار در باره متن قرارداد راجع به پیوندهای تاریخی این منطقه مطالبی بیان کرده است. بتاريخ ۱۶ جون وزیر خارجه افغانستان، شاه محمد دوست، و سفیر اتحاد شوروی در کابل تابیوف Tabejew معاهده ایرا در کابل امضاء کردند که در آن سرحدات دولتین از غرب ساحل دریاچه سرکول Zorkul تا قله کوه

پوالو شویکوفسکی Powalo Schweikowski را دربر میگیرد. این کوه سرحد مثلثی بین اتحاد شوروی، چین و افغانستان را تعیین میکند. این قرارداد به تعبیر اتحاد شوروی "خطوط سرحدی بین افغانستان و شوروی را از نقطه نظر حقوق بین الدول تثبیت میکند" و به این ترتیب تنها و تنها بین اتحاد شوروی و جمهوری دیموکراتیک افغانستان صورت می گیرد و بس.

باوجود این تصمیم و عقد قرارداد بین اتحاد شوروی و افغانستان، حکومت چین خود را مخاطب این بیانات دانسته و بتاريخ ۲۲ جولای وزارت خارجه آن بعنوان اتحاد شوروی یادداشتی فرستاده که در آن قرارداد متذکره را "غیر قانونی" و مغایر نورم حقوقی اعلام کرده است.

در این یادداشت حکومت چین سبب اصلی اختلافات بین دو کشور را تعیین سرحدات "چین و شوروی در پامیر" وانمود کرده است.



"انگشت افغانستان" نزاع بین چین و شوروی

اتحاد شوروی این ادعا را ساخته و بافته نظریات چین دانسته و آنرا مداخله در امور داخلی دیگر کشورها تلقی نموده و رد کرده است.

از مدتهاست که چینی ها سعی میکنند طوری نشان دهند که در پامیر شوروی به اساس يك قرارداد مستند سهم دارند، اما واقعیت امر این است که در این باره سندی وجود ندارد. تعیین سرحدات در این منطقه پس منظر تاریخی داشته و مسیر آن در اثر تبادله یادداشتی در سال ۱۸۹۴ مشخص شده که علایم و خطوط آن تعیین شده و در اطلس های جغرافیایی شوروی و چین نشان داده شده است.

این یادداشت طوری مینماید که بعد از آتش بس در سال ۱۸۹۴ بین روسیه تزاری و چین تبادل شده است. این یادداشت اگر تعبیر به تعیین سرحدات شده بتواند، در این مورد خاص حکومت چین شك دارد و از طرف آنها قابل قبول بوده نمیتواند. معلومات منابع غربی در رابطه به نزاع این دو کشور که "انگشت افغانستان" و همچنان "کوریدور، بادالان، واخان" در اثر توافقات بین قدرت انگلیس استعماری و روسیه تزاری بوجود آمده و این منطقه حایل بین دو قدرت استعماری برای امنیت هند برتانوی و روسیه تزاری قبول شده است. به رویت اسناد تاریخی تعیین سرحدات این منطقه، دو سند به نام "دالان واخان" در آرشیف های این دو کشور موجود است.

سند اولی در سال ۱۸۷۳ بوجود آمده و در آن مسیر سرحد را از دریاچه سورکل Zorkul، سرچشمه دریای آمو در کجی سمت جنوبی تعیین می کند.

سند دومی که در ماه مارچ ۱۸۹۵ به آن موافقه بعمل آمده متباقی منطقه دریاچه سورکل را طرف شرق تا قله پوفالو شویکوفسکی مشخص می گرداند. این خطوط سرحدی در تابستان ۱۸۹۵ با نصب پیلرها نشانی شده است. در مذاکرات تعیین سرحدات و هنگام بحث بر آنها چین شامل و حاضر نبود. در آنزمان کوشش انگلیسها جهت شمول چین در مذاکرات مذکور ناکام و عقیم ماند. امروز وزارت خارجه چین عدم حضور چین را در مذاکرات و توافقات آنروزه، دلیل کافی برای رد معاهده دانسته و آنرا به رسمیت نمی شناسد.

سوال در اینجاست که اتحاد شوروی بعد از چندین دهه چه ضرورت به این قضیه داشته که آنرا دوباره بالای میز مباحثه بگذارد؟

صححه گذاشتن کابل به این قرارداد نظریات مختلف را در تحلیل اوضاع ایجاب می کند.

اول اینکه اتحاد شوروی با این بازی سیاسی در نظر دارد تا سرحدات خود را دوباره به خاطر آورده آنرا ثبت و محکم کند علاوه بر این چون کشورهای غربی، شوروی را به الحاق دو گذرگاه افغانی به خاک خودش متهم نموده اند، وی میخواهد برای رفع این اتهام به قراردادهای قدیم دوباره تمسک گرفته و گذرگاه های اتحاد شوروی با چین و پاکستان را جزو قلمرو خود بگرداند که در آن صورت پاکستان و شوروی در هندوکش با یکدیگر هم سرحد می شوند.

قرار راپور واصله از منابع غربی دو گارنیزون عسکری شوروی در منطقه "انگشت افغانستان" مستقر گردیده که علاوه بر حراست منطقه مانع ترانسپورت مواد لوژستیکی برای مبارزین افغانی میگردد این مطلب چنان توجیه شده میتواند که اتحاد شوروی با یادآوری این ناحیه چینیها را متوجه می گرداند که در این منطقه مسایل سرحدی خاتمه یافته و باید حکومت چین آنرا ختم شده بداند.

قرارداد امضاء شده بین اتحاد شوروی و کابل در واقع تائید توافقات روسیه تزاری و انگلیستان در قرن نهم می باشد اتهامات مغرضانه به نام اصلاحات در تعیین سرحدات صورت نگرفته است. پراودا پروتست چین را با کلمات "بی اهمیت و غیر عملی" دانسته و رد کرده است. ختم ترجمه

خوانندگان گرامی! ضمن ترجمه و ثبت این خبر بار دیگر ثابت میشود که در گذشته صلاحیت اصلی به دست افغانها نبوده بلکه کشورهای استعماری وقت در باره تعیین و ساختمان سرحدات افغانستان با در نظر گرفتن منافع خود، تصمیم گرفته و آنرا عملاً تحمیل میکردند.

طوریکه در راپور بالا مطالعه کردیم بین متعاقبین آن وقت، نامی از افغانستان برده نشده، بلکه روس تزاری و انگلستان و اگر هم میخواستند چین در باره اینکه مسیر سرحدات شمال شرقی افغانستان چه ساختمانی داشته باشد، تصمیم گرفتند و بین خود معامله کردند. احتمال دارد که در این داد و گرفت بین دو ابرقدرت وقت، حکومت مرکزی افغانستان (زمانیست که امیر عبدالرحمن خان، در سال ۱۸۹۵ پادشاه افغانستان است)، اصلاً از جریان بی خبر بوده باشد.

چندی قبل کتابی را مطالعه کردم که در رابطه با این مطلب خاص گفتنی های دلچسپ دارد که می خواهم طور خلاصه ترجمه آنرا از نظر خوانندگان گرامی بگذرانم:

پیترهاپکیرک Peter Hopkirk تحت عنوان "نقطه اشتعال در ارتفاعات پامیر" در صفحات ۴۶۵- ۴۶۸ اثر خویش زیر عنوان "بازی بزرگ The Great Game" مینگارد:

در ماه جولائی ۱۸۹۱، زمانیکه ینگ هزبند husband Young و مک ارتنی Macartney صاحب منصبان انگلیس در کاشغر بودند، راپورهایی در لندن میرسید که روسها پلان تسخیر پامیر را تصمیم گرفته و قشونی به صوب آن منطقه در حرکت است. در اثر تماس انگلیس ها با مقامات روسیه، وزارت خارجه روسیه این خبر را جداً تکذیب کرد. لیکن يك هفته بعد از تکذیب این خبر روسها به وزارت خارجه انگلستان اطلاع دادند که يك قطعه کوچک و محدود عساکر روسی به آن منطقه فرستاده شده تا در باره فعالیت‌های چین و افغانستان راپوری تهیه نماید.

بعد از چند روز گزارش این گفت و شنود به سمع ینگ هزبند و مک ارتنی در کاشغر رسید. انگلیسها چون از ابتدا به روسها و اظهارات نیکولای پتروفسکی Petorvsky اعتماد نداشتند، ینگ هزبند تصمیم گرفت تا مناطق پامیر را از نزدیک ببیند مک ارتنی را در کاشغر گذاشته و خودش به معیت چند عسکر جانب پامیر حرکت کرد. روس ها قبل از آنکه چینی ها به منطقه برسند يك قوای ۴۰۰ نفری قزاقها را به منطقه رسانیده و در شمال پامیر بیرق تزاری را برافراشته بودند.

به تاریخ سیزدهم اگست ینگ هزبند واقعت را دریافته و در یادداشت خود چنین مینگارد:

"حینیکه از خیمه خود به بیرون نظر انداختم دیدم که در فاصله نزدیک تقریباً بیست نفر قزاق و شش افسر روسی در رأس این جوقه که یکی از ایشان بیرق روسیه را در دست داشت به سواری اسب در حرکت بوده و در فاصله ای نه چندان دور خیمه های خود را برافراشتند. این منطقه خالی از سکنه ۱۵۰ مایل در جنوب سرحد روسیه قرار داشته و به نام منطقه بوزای گمباز Bozai Gumbas یاد میشود که از دید انگلیسها مربوط به قلمرو افغانستان میباشد".

کمپ روسها تقریباً نیم مایل از محل توقف ینگ هزبند فاصله داشته و افسر انگلیس بدون تعلل یکی از عساکر خود را با کارت دعوت و ملاقات با ایشان نزد روسها فرستاد. طوری معلوم می شد که آنها انتظار چنین دعوتی را داشتند، زیرا کمی بعد هیئتی که در رأس آن يك کرنیل روسی ملبس با یونیفورم که نشان سان جورج St. Georg (تقریباً معادل با نشان صلیب ویکتوریای انگلیسی) که در یخن کرتی اش الحاق شده بود به خیمه محقر انگلیس حاضر شدند. مذاکرات دوستانه بوده و افسر انگلیس ودکایی با خود نداشت که به مهمان خود تعارف کند، لیکن وی از کاشغر چند بوتل واین، شراب روسی با خود آورده بود و با گیللاس واین در دست به مذاکره آغاز کردند.

ینگ هزبند از کرنیل روسی، به نام یانوف Yanov، سؤال کرد افواهی به سمعش رسیده که روسها در نظر دارند تا تمام منطقه پامیر را تحت تصرف خود درآورند، و اضافه کرد نشر این خبر باعث نگرانی کلکته و لندن شده و از این سبب است که وی در منطقه سفر کرده تا اوضاع را از نزدیک مطالعه نموده و راپور مطالعات خود را به مقامات مربوط تقدیم کند.

جواب روسها واضح و غلط فهمی در آن مستور نبود. کرنیل یانوف از بین اوراق خود نقشه ای را بیرون کشیده که در آن منطقه ای به رنگ سبز علامه گذاری شده بود که تا منطقه آبگردان هند را احتواء میکرد و آنرا به مقابل ینگ هزبند گذاشت. در نقشه مناطقی از افغانستان و چین علامه گذاری شده بود که روسها در صدد تصرف

آن مناطق اقدامات فعلی خود را رویدست گرفته بودند اما این مناطق تا حال از طرف تزار روسی ملکیت روسیه اعلام نشده است.

با نظر اندازی نقشه کرنیل روسی، ینگ هزبند کنایه آمیز به آن اشاره نموده اظهار داشت که وی معتقد است "روسها دهان خود را از اندازه بیشتر باز کرده اند". با استماع این گفته انگلیس، کرنیل روسی خندیده و گفت نه خیر "این صرف سر آغاز کار است". مذاکرات حدود يك ساعت را دربر گرفته و کرنیل روسی از مهماندار انگلیس اجازه خواست تا به کمپ خود برگردد و افسر انگلیس را برای صرف طعام شب به کمپ روسی دعوت کرد.

مذاکرات در خیمه مجهز کرنیل روسی در فضای صمیمیت آغاز گردید ولی منجر به جدیت گردید ... ینگ هزبند در اثر صحبت با رقیب خود دریافت نمود که روسها منطقه پامیر را کاملاً تحت تصرف خود در آورده و علاوه بر از تصاحب آن در مناطق فوق العاده حساس هند برطانوی نیز داخل شده اند.

کرنیل یانوف روی نقشه ای به ینگ هزبند خط سفر خود را از طریق کوتل دار کوت Darkot در دره یاسین Yassin که مستقیماً با گیلگت وصل است، نشان داد.

ینگ هزبند تصور کرده میتوانست، که اگر جنرالهای انگلیسی مقیم هند از صحبت های این سفر وی اطلاع حاصل کنند، خون در بدن شان خشک خواهد شد...

فردای آن شب روس ها کمپ خود را جمع کرده به حرکت افتادند. ینگ هزبند در کمپ خود به انتظار يك افسر انگلیس که بایست از کاشغر میرسید، در محل باقی ماند ... سه شب بعد از دعوت شبانه، ینگ هزبند در بستر خود هنوز خوابیده بود که صدای اسب سوارانی را شنید که در مقابل خیمه وی توقف کردند. ینگ هزبند از جایش پریده و با عجله لباس افسری خود را به تن کرده از خیمه بیرون برآمد و کرنیل یانوف را با تقریباً ۳۰ سوار کار قزاق در مقابل خود منتظر یافت. کرنیل یانوف بدون صحبت مقدماتی رك و راست افسر استخبارات انگلیس را مخاطب قرار داده گفت: "با تاسف به اطلاع شما رسانیده می شود که شما مجبورید خاک روسیه را ترك کنید".

ینگ هزبند پروتست کنان جواب داد که این منطقه بوزای گمباز Bozai Gumbaz مربوط قلمرو افغانستان بوده و شما صلاحیت اخراج مرا از این ناحیه ندارید. کرنیل یانوف برایش با شدت جواب داد "شما میتوانید هر اسمی که خواسته باشید بر آن بگذارید، لیکن ما این منطقه را مربوط به خاک روسیه می دانیم و شما باید این جا را ترك کنید".

ینگ هزبند، افسر انگلیس، با ملاحظه قزاق ها گفت: "تنها با پروتست شدید از این منطقه بیرون می شوم و از این حادثه به حکومت خود راپور میدهم"...

رسانه های انگلیس، پارلمان و مردم باشنیدن این اخبار به هیجان آمده و بار دیگر آتش دشمنی شان با روس ها شعله ور گردید. لاردر روزبری Lord Rosebery ستون قدرت حزب لیبرال، که بعداً به سمت وزیر خارجه تعیین گردید، بوزای گمباز Bozai Gumbaz را، جبل الطارق در هندوکش نامید. در هند قوماندان اعلی انگلیسی جنرال روبرت به ینگ هزبند گفت که وی عقیده دارد که باید با روسها داخل جنگ شوند، زیرا روس ها آمادگی ندارند و احضارات ما تکمیل است و در عین روز فرمان آماده باش يك فرقه عسکر را با تجهیزات آن صادر کرد و امر داد در صورت اعلان رسمی اشغال پامیر توسط روسها، بالای آنها حمله کنند...

پروتست شدیدی از حرکت تجاوز کارانه روس ها در پامیر توسط روبرت موریر Robert Morier سفیر برطانیه با ضم امر لارد سالیسبری Lord Salisbury (صدراعظم) به وزارت خارجه در سن پیترسبورگ تسلیم داده شد و در آن روس ها را در صورت دوام ادعای ارتباط پامیر به خاک روسیه چلینج به جنگ داده و همچنان تقاضا کرد تا از ینگ هزبند، نسبت اخراج وی از "بوزای گمباز" رسماً معذرت بخواهند....

این بود شمه از گزارشات در رابطه با پامیر افغانستان آن زمان که امروز از چگونگی در رسانه ها کمتر شنیده می شود. ختم

